

Protection of Right to Life of the Child in Viewpoint of Islam and International Instruments with a Look at the Children of Yemen*Mahdi Rahmani¹, Fatemeh Piri Amirhajiloo²***Abstract**

The right to life is the most important right of any human being, especially the child. This right is the cornerstone of all human rights and any violation of it is a gross and grave violation of fundamental human rights. According to the teachings of Islam and many International Instruments, the child, as a human being, has the right to a decent living and life under any circumstances. Today, with armed clashes waged by global arrogance to achieve their economic and political interests in some countries, including Yemen, the inherent rights of children, including the right to life, the right to health, the right to education, have been clearly threatened and violated and every year thousands of Yemeni children die as a result of these clashes. This study is a descriptive-analytical and comparative study that examines the fundamentals of the right to life of child in Islam and international Instruments and the effects of armed conflict on child rights. In addition, the right to life of children in Yemen has been discussed and stated that it is essential for all people, national and international institutions and governments to provide mechanisms to secure this right and prevent violence against children in armed conflict. In addition, it is imperative that those who endanger the life of children in armed conflict be charged with war crimes, prosecution, trial and punishment.

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Ph.D Student of Jurisprudence and Criminal Law, Department of Criminal Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: F.amirhajiloo@yahoo.com

Original Article Received: 15 October 2019 Accepted: 1 November 2019

Keywords

Right to Life, Child, Armed Conflict, Islam, International Documents, Yemen

Please cite this article as: Rahmani M, Amirhajiloo FP. Protection of Right to Life of the Child in Viewpoint of Islam and International Instruments with a Look at the Children of Yemen. Child Rights J 2019; 1(3): 71-100.

حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی با نگاهی به کودکان یمن

مهدی رحمانی^۱

فاطمه پیری امیرحاجیلو^۲

چکیده

حق حیات مهم‌ترین حق طبیعی هر انسانی به ویژه کودک است. این حق پایه و اساس تمام حقوق بشری به شمار می‌رود و هرگونه تعرض به آن نقض صریح و آشکار حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردد. بر اساس آموزه‌های اسلام و تصریح بسیاری از اسناد بین‌المللی، کودک به عنوان یک انسان حق دارد که حیات و زندگی او تحت هر شرایطی به نحو شایسته‌ای تأمین گردد. امروزه با درگیری‌های مسلحانه‌ای که استکبار جهانی برای دستیابی به منافع اقتصادی و سیاسی خود در برخی کشورها از جمله یمن به راه انداخته‌اند، حقوق مسلم کودکان از جمله حق حیات، حق بهداشت، حق تحصیل آنان، به طور آشکاری تهدید و نقض شده است و هر ساله هزاران کودک یمنی در اثر این درگیری‌ها جان خود را از دست می‌دهند. در پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی صورت گرفته، ضمن بررسی مبانی حق حیات کودک در اسلام و اسناد بین‌المللی و آثار مخاصمات مسلحانه بر حیات کودکان، حق حیات کودکان یمن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بیان گردیده است که بر همه افراد جامعه انسانی، نهادهای ملی و بین‌المللی و دولت‌ها لازم است که در حد توان، ساز و کارهای تأمین این حق را فراهم کنند و از بروز خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه جلوگیری کنند.

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و حقوق جزا، گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: F.amirhajiloo@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۰

علاوه بر این ضرورت دارد افرادی که حیات کودکان را در مخاصمات مسلحانه به خطر می‌اندازند، به اتهام جرائم جنگی، تعقیب، محاکمه و مجازات شوند.

واژگان کلیدی

حق حیات، کودک، مخاصمات مسلحانه، اسلام، اسناد بین‌المللی، یمن

مقدمه

حساسیت دوران کودکی بر هیچ کس پوشیده نیست. کودک به دلیل شرایط جسمی و روحی خود، همواره نیازمند مراقبت‌های تربیتی و بهداشتی خاص می‌باشد. بنیادی‌ترین و مهم‌ترین حق کودک، حق حیات است که هم در اسلام مورد توجه قرار گرفته و هم در اسناد بین‌المللی محل اتفاق است. تجاوز به این حق و نقض آن هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. با مخاصمات مسلحانه‌ای که در برخی از کشورها شکل گرفته خشونت‌های متعددی به شکل‌های مختلف گریبان‌گیر کودکان شده است که خواه ناخواه حق حیات آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین اصول انسانی حاکم بر جنگ‌ها، اصل تفکیک یا تمایز است که بر اساس آن باید بین نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل شد و از حمله به افراد و جمعیت غیر نظامی اجتناب کرد. این اصل، در کنوانسیون چهارم ژنو که مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ است و ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و ماده ۱۳ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ژنو به رسمیت شناخته شده است که با عمومیت خود شامل زنان و کودکان نیز می‌گردد و آن‌ها را تحت حمایت قرار می‌دهد.

در ۲۶ مارس سال ۲۰۱۵ عربستان سعودی در چارچوب ائتلافی از کشورهای عربی حمله نظامی خود به یمن را آغاز نمود. بر اساس گزارش‌های صادره از نهادهای بین‌المللی از تاریخ شروع حملات هوایی نیروهای ائتلاف به یمن حداقل ۴۱۱۲۵ غیر نظامی کشته و ۷۰۲۰۷ نفر زخمی شده‌اند. همچنین مطالعات نشان داده است تعداد افرادی که به خاطر عواقب غیر مستقیم درگیری مسلحانه در یمن جان خود را از دست می‌دهند، بین ۳ تا ۱۵ برابر بیشتر است. کودکان که آسیب‌پذیرترین قشر در برابر اثرات کشنده جنگ هستند، نماینده یک‌سوم از مرگ و میر غیر نظامیان می‌باشند.

در حال حاضر یمن بزرگ‌ترین بحران انسانی جهان با بیش از ۲۴ میلیون نفر - یعنی ۸۰٪ جمعیت - نیازمند کمک‌های انسان دوستانه، از جمله بیش از ۱۲ میلیون کودک است. از زمان افزایش درگیری‌ها این کشور تبدیل به جهنمی برای کودکان شده

است. کودکان در این درگیری‌ها کشته و زخمی می‌شوند. با نابودی تأسیسات بهداشتی و آموزشی، تخریب اماکن و منازل و آوارگی خانواده‌ها، عدم دسترسی به غذای کافی و آب آشامیدنی سالم که از پیامدهای منفی جنگ و مخاصمات مسلحانه هستند، حیات کودکان بیش از پیش به خطر افتاده است. علاوه بر این آسیب خطرناک‌تر و جدی‌تر زمانی اتفاق می‌افتد که از کودکان به عنوان ابزار جنگی توسط دولت‌ها و سایر نیروهای درگیر استفاده شده و به عنوان سرباز، مخبر، نگهبان و... وارد میدان جنگ می‌شوند.

رسالت اصلی این پژوهش بررسی مبانی حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسلام و اسناد بین‌المللی و بررسی وضعیت حق حیات کودکان یمن است. بر این اساس ابتدا به مفهوم‌شناسی و تبیین حق حیات و کودک در اسلام و اسناد بین‌المللی پرداخته شده است. در مبحث بعد حق حیات کودکان از منظر اسلام و اسناد کشورهای اسلامی و اسناد بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته و در همین بخش حق حیات کودکان یمن مطرح گردیده و در نهایت حقوق مرتبط با حق حیات کودک با نگاهی به وضعیت کودکان یمن، بررسی شده است.

حق حیات و اهمیت آن در اسلام و اسناد بین‌المللی

حق در لغت به معانی مختلف از جمله: درستی، ثبوت، صدق، وجوب، شایسته و... به کار رفته است (۱)، کلمه «حق» در زمینه‌های مختلف فلسفی، فقهی، حقوقی و سیاسی کاربردهای گوناگونی دارد؛ در اینجا مراد از «حق» به معنای امتیاز یا اختصاص است که چیزی برای یک موجود ثابت می‌شود (۲).

حیات به معنای زیست، زندگانی و مقابل مرگ و ممات می‌باشد و آن صفتی است مقتضی حس و حرکت (۳). حیات یا زندگی از نظر زیست‌شناسان به فاصله میان تولد تا مرگ گفته می‌شود. هر موجود زنده، پس از تولد، آغاز به رشد و تکامل می‌کند و در نهایت به واسطه مرگ، این روند متوقف می‌شود.

بر این اساس حق حیات عبارت است از این که انسان حق بنیادی برای زندگی کردن دارد. از آنجایی که حقوق انسان منوط به زنده بودن اوست، حق حیات بر حقوق دیگر اولویت دارد، زیرا بدون حیات، دیگر حقوق، ارزش یا کاربرد نخواهند داشت.

۱- حق حیات از منظر دین اسلام

از منظر دین اسلام حق حیات بالاترین موهبتی است که خداوند به انسان عطا کرده است، این حق در قرآن به گونه‌ای بسیار جدی مطرح شده است (۴). آیه ۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «چگونه به خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما مرده بودید خدا شما را زنده کرد پس از آن شما را خواهد میراند و سپس شما را زنده می‌کند و پس از آن به سوی او بر می‌گردید.» برای این که حق حیات محفوظ بماند و مورد تجاوز دیگران قرار نگیرد، قرآن برای کسانی که حیات دیگران را تهدید کنند، مجازات سخت در نظر گرفته است. در آیه ۳۳ سوره اسراء خداوند می‌فرماید: «نفسی را که خداوند بر آن حرمت قرار داده است، جز به حق به قتل نرسانید»، حتی قرآن کریم احیای یک شخص را به منزله احیای تمام بشریت دانسته و قتل یک شخص را نیز کشتن تمام بشریت تلقی کرده است و در آیه ۳۲ سوره مائده بیان داشته است: «هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده باشد، بکشد، مثل آن است که همه مردم را کشته و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد)، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.»

۲- حق حیات در حقوق بشر اسلامی و اسناد بین‌المللی

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی که توسط کشورهای اسلامی تدوین و تصویب شده نیز حق حیات و لوازم آن با جدیت بیان شده و برای حفظ آن راه‌کارهایی در ۵ ماده تدوین و تصویب شده است (۵).

در ماده اول بند «الف» آمده است: «حیات هدیه خداوند است، حق حیات برای همه انسان‌ها تضمین شده است. همه دولت‌ها و جمعیت‌ها و افراد، مکلف به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و هرگونه اخلاف بر بقای طبیعی آن مانند

بیماری‌ها و بلاهای طبیعی و انسانی هستند و جایز نیست، هیچ روحی را از بدن بدون مقتضی شرعی جدا کرد.»

حق حیات در اندیشه طرفداران حقوق بشر مدرن نیز حقی مطلق، بنیادی و پایه سایر حقوق تلقی می‌شود و محدودیت‌بردار و قابل سلب نیست. حق حیات از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل «حق برتر» نامیده شده است (۶). در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق حیات را از حقوق ذاتی انسان دانسته که این حق باید به موجب قانون حمایت شود (۷). این میثاق ضمن تأکید بر حیثیت ذاتی انسان، دولت‌های متعهد را در احترام به حقوق انسانی و تضمین حق ذاتی حیات (ماده ۱) متعهد و ملتزم کرده است.

ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز با اشاره به حق حیات و لزوم احترام به آن می‌گوید: «سلب حق حیات باید فقط به موجب قانون و در پی ارتکاب جرم به حکم دادگاه صالح و پس از محاکمه عادلانه باشد» (۸). در ماده ۱۵ این کنوانسیون تأکید شده که حتی در زمان جنگ و وضعیت اضطراری دولت‌های عضو نمی‌توانند از اجرای مقررات ماده ۲ مربوط به حفظ حق حیات شانه خالی کنند. همچنین ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان می‌دارد: «قانون باید حیات فرد انسانی را از لحظه حمل مورد حمایت قرار دهد» (۹).

مفهوم کودک و معیار کودکی در اسلام و اسناد بین‌المللی

برای شناخت حقوق کودک در طول مبارزات مسلحانه تعریف کودک از اهمیت به سزایی برخوردار است. از حیث واژه‌شناختی کودک مترادف با طفل، صغیر و خردسال است (۱۰). در زبان عربی واژه‌های رضیع و صبی به معنای کودک به کار رفته‌اند (۳). (۱۱). از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می‌یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را در عرف عام، دوره کودکی می‌گویند.

در اغلب نظام‌های جدید حقوقی، تعریف کودک ناظر بر سن انسان است و سن، تنها عامل تمایز دوره کودکی از بزرگسالی است. در فقه و حقوق اسلامی از زمان بسته‌شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که فرد به حد بلوغ برسد بر آن کودک اطلاق می‌گردد (۱۲). در واقع پایان کودکی، ناظر بر بلوغ فرد است که مراد از آن، آغاز مرحله‌ای از زندگی است که از یکسو با پدیدآمدن برخی دگرگونی‌های جسمی، از جمله شکوفایی غریزه جنسی، آمادگی توالد و تناسل به وجود می‌آید و از سوی دیگر، قوای عقلی، ادراکی و روانی رشد می‌یابد. بالغ‌شدن، معیار ورود از دوره کودکی به بزرگسالی است و سن، فقط یکی از آماره‌های بلوغ است (۱۳). در میان فرق اسلامی، فقهای امامیه اکثراً سن بلوغ را برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال قمری می‌دانند. شافعیان و حنابله سن بلوغ را در دختران و پسران ۱۵ سالگی، مالکیان ۱۷ سال و حنفیان سن بلوغ را برای پسران ۱۸ سال و برای دختر ۱۷ سال ذکر کرده‌اند (۱۴).

ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود» (۱۵).

بنابراین از نظر کنوانسیون دوره کودکی در هیچ‌ده سالگی پایان می‌یابد، مگر آنکه در کشوری خاص، کودک زودتر به سن بلوغ برسد. همچنین ماده فوق به شروع کودکی اشاره نکرده و تنها پایان کودکی را به عنوان مرز بین کودکی از بزرگسالی تعیین کرده است.

حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسلام

حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات مسلحانه از جمله قواعد آمره دستورات جهادی اسلام محسوب می‌شود. در اسلام جنگ فقط بین نیروهای مسلح درگیر جایز است و تعرض به غیر نظامیان امر قبیحی است که آیات و روایات بسیاری از آن نهی کرده است. به عنوان مثال خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا با کسانی که با شما

می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد» (۴). در اینجا عبارت «الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ» مشخص‌کننده طرف جنگ است. بنابراین اشخاصی که با مسلمانان جنگ می‌کنند، مانند زنان و کودکان نمی‌توانند طرف جنگ واقع شوند. این آیه بیانگر قاعده مهم تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان است که یکی از قواعد جنگ حقوق بشردوستانه معاصر را تشکیل می‌دهد. روایات متعددی نیز در خصوص حمایت از زنان و کودکان در جنگ وجود دارد و رویه عملی پیامبر و جانشینان او نیز به خوبی بر لزوم این حمایت صحنه می‌گذارند. برای نمونه پیامبر (ص) هنگام فتح مکه نیروهای خود را از کشتن غیر نظامیان به ویژه زنان و کودکان نهی کردند و فرمودند: «بدانید که کشتار کودکان ممنوع است، چه آنکه هر مولودی بر فطرت الهی خود متولد می‌شود و بر آن فطرت هست تا آنکه بر زبانش خلاف آن جاری شود و چنان است که پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی کنند» (۱۶).

همچنین می‌فرمودند: «در جنگ کسی را نکشید، مگر این‌که به سن رشد و بلوغ رسیده باشد» یا «نوزادان و کودکان را نکشید» (۱۷).

در روایات آمده است هنگامی که پیامبر اکرم (ص) متوجه شدند عده‌ای از مسلمانان به تاسی از دشمن، تعدادی از کودکان را به قتل رسانده‌اند، به خشم آمده و فرمودند: «چرا برخی از شما آنقدر ستیزه‌جو شده‌اند که به قتل کودکان دست می‌زنند» (۱۸).

علاوه بر کشتن مستقیم غیر نظامیان در جنگ، اسلام از اقداماتی که می‌تواند حیات آنان از جمله کودکان را به خطر اندازد، مانند تخریب مزارع و کشتزارها و کشتن دام‌ها که موجب کمبود مواد غذایی می‌شود، به شدت نهی کرده است (۲۰-۱۹).

بر اساس این آیات و روایات فقهای امامیه و اهل سنت به اجماع بر این عقیده‌اند که تعرض و کشتن زنان و کودکان در جنگ جایز نیست (۲۲-۲۱)، مگر در صورت ضرورت نظامی یا حالت اضطرار، یعنی کفار از کودکان به عنوان سپر استفاده کنند و در سایه آنها بر علیه مسلمانان بجنگند، به گونه‌ای که اگر کودکان کشته نشوند، موجب پیروزی کفار و شکست مسلمانان خواهد شد که در این صورت با توسل به قواعد فقهی «الضرورات تبیح المحظورات» یا «الاهم فالاهم» می‌توان به کشتن زنان و کودکان اقدام

نمود (۲۳)، لذا همه فقها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که قتل زنان و کودکان در حال ضرورت جایز است و تنها اختلاف در این است که آیا همکاری یا جنگجو بودن زنان و کودکان مجوز کشتن آنان خواهد بود یا خیر؟ در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی بین فقها مطرح شده است. مشهور فقهای امامیه معتقدند که زنان و کودکان حتی اگر به طور مستقیم در جنگ حضور داشته باشند و دشمن را یاری کنند، نباید مورد تعرض قرار گیرند، مگر این که ضرورت نظامی اقتضا کند (۲۱، ۲۵-۲۴). در این رابطه برخی گفته است: «کشتن زنان و کودکان، هرچند در عرصه نبرد شرکت کنند، جایز نیست مگر در صورت ضرورت» (۲۶). در مقابل گروهی از فقها بر این عقیده‌اند که زنان و کودکان تا زمانی مصونیت دارند و تحت حمایت هستند که معاون و جنگجو محسوب نشوند، در غیر این صورت قابل حمایت نخواهند بود.

جمهور فقهای اهل سنت معتقدند به این که زن یا کودک اگر بکشد و قتل کند، کشته می‌شود. همچنین اگر مشرکان و کافران را بر قتل و جنگیدن، تشویق و تهییج سازند یا اطلاعات و اسرار مسلمانان را فاش و منتقل کنند، کشتنشان جایز است و یا این که زنان، برای مشرکان و کافران آب و دوا و غذا حمل نمایند و یا حماسه و غرور در دل کفار به وجود بیاورند و به آنان جرأت دهند و عزم و اراده آنها را قوی کنند، در تمام این صورت‌ها، کشتن آنها مباح است (۲۸-۲۷).

۱- حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسناد مصوب کشورهای اسلامی

از جمله اسنادی که به حمایت از حق حیات و منع کشتار کودکان در وضعیت مخاصمات مسلحانه می‌پردازد، میثاق حقوق کودک در اسلام است که اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، در قاهره به تدوین آن پرداختند (۲۹). در این میثاق مسأله جنگ و آثار آن مد نظر تدوین‌کنندگان قرار گرفته و در مقدمه این معاهده که مورد قبول اعضای سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی است، بیان گردیده: «با توجه به این که کودکان به عنوان بخشی از قشر آسیب‌پذیر جامعه، بار عمده رنج ناشی از بلایای طبیعی

و ساخته دست انسان که منجر به پیامدهای غم‌انگیزی همچون بی‌سرپرستی، آوارگی، بهره‌کشی از کودکان در ارتش یا کار سخت پرخطر و غیر قانونی می‌شود را به دوش می‌کشند و همچنین با توجه به رنج کودکان پناهنده و کودکانی که تحت سیطره اشغال یا اسارت یا آوارگی ناشی از مخاصمات مسلحانه و قحطی به سر می‌برند و به این جهت موجبات گسترش خشونت در میان کودکان و افزایش تعداد کودکان معلول جسمی، روحی و اجتماعی را فراهم می‌سازد، کشورهای عضو این میثاق در مورد مفاد میثاق توافق می‌کنند.»

در واقع تدوین‌کنندگان، تأثیر جنگ و مخاصمات مسلحانه بر کودکان را به خوبی شناسایی نموده و آن را به تصویر کشیده‌اند (۳۰)، هرچند در زمینه ایجاد تعهد برای دولت‌های عضو در مقابل کودکان و تعیین برنامه عمل ایشان برای حمایت و تضمین حمایت تنها به بند ۵ ماده ۱۷ اکتفا کرده‌اند که مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو تدابیر لازم را در جهت حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیر نمودن آن‌ها در مخاصمات مسلحانه یا جنگ‌ها اتخاذ نمایند.»

علاوه بر این بعد از تصویب میثاق در ۸ نوامبر ۲۰۰۵، اجلاسی در سطح وزرا با همکاری یونیسف برای کودکان در جهان اسلام برگزار شد و اعلامیه رباط (Rabat Declaration) در مورد حمایت از کودکان تصویب شد (۳۱). بند ۱۴ این اعلامیه هرگونه به کارگیری و استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه را برخلاف حقوق بین‌الملل محکوم می‌نماید و از تمام دولت‌های طرف مخاصمه می‌خواهد که اگر چنین اعمالی را انجام می‌دهند، آن را پایان دهند و معیارهای مؤثری را برای حمایت از کودکان و اسکان و بازگشت این کودکان به جامعه به کار گیرند. بند ۱۳ آن نیز از تمام دولت‌ها می‌خواهد که معیارهای لازم برای جلوگیری از ظهور مخاصمات مسلحانه را بر طبق اهداف و اصول منشور ملل متحد اتخاذ نمایند و مراقبت ویژه نسبت به تأمین نیازهای کودکان و زنانی که قربانیان اصلی چنین مخاصماتی هستند، معمول دارند، به طوری که آن‌ها کمک‌های مؤثر و به موقع را دریافت کنند.

حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسناد بین‌المللی

اسناد متعددی در حقوق بین‌الملل به حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه پرداخته‌اند. این اسناد را می‌توان در دو حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر بین‌الملل جای داد.

۱- حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حقوق بشر دوستانه که حقوق مخاصمات مسلحانه نیز نامیده می‌شود، مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی یا عرفی است که مشخصاً ناظر بر رفتار قوای متخاصم در جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی می‌باشد و شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی در سال ۱۹۷۷ می‌گردد.

امروزه هدف حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن والا و کرامت انسان و تضمین حقوق اساسی بشر و به طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی است. در این راستا حقوق بشر دوستانه کودکان را بخشی از جمعیت غیر نظامی فرض می‌کند و حمایت‌های وسیعی از کودکان به عمل می‌آورد که این امر می‌تواند در تضمین حق حیات کودک مؤثر واقع گردد (۳۲).

۱-۱- کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹ م.): کنوانسیون چهارم ژنو در ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ تصویب شد و در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا گردید. در جهت حمایت مستقیم از کودکان و مادران آن‌ها کنوانسیون چهارگانه ژنو که بعد از جنگ جهانی دوم، اولین سند بین‌المللی بود که به صراحت برای حمایت از کودکان در خلال مخاصمات مسلحانه تدوین گردید (۳۲). در ماده ۲۳ دولت‌ها را متعهد می‌کنند تا در شرایط مخاصماتی، آزادی عبور هرگونه محموله‌های خواربار ضروری، پوشاک و مواد مقوی مخصوص اطفال کم‌تر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا را فراهم نمایند (۳۳).

افزون بر این کنوانسیون در ماده ۲۴ بیان می‌کند که: «دولت‌های متخاصم اقدامات لازم به عمل خواهند آورد که اطفال کم‌تر از ۱۵ سال که به علت جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند، به حال خود رها نگردند.»

این ماده در واقع کودکانی را مورد حمایت قرار می‌دهد که از حمایت طبیعی والدینشان در نتیجه وقوع یک جنگ محروم شده‌اند، چراکه جدایی از خانواده در مخاصمات مسلحانه حیات کودکان را به شدت به خطر می‌اندازد. کنوانسیون خصوصیت اقداماتی را که باید اتخاذ شوند را بیان نمی‌کند. از این رو طرفین مخاصمه در اقداماتی که می‌خواهند اعمال کنند آزادی کامل دارند، اما می‌توان دریافت که این نگهداری به معنی ارائه غذا، پوشاک، سکنی دادن آن‌ها و مراقبت از سلامتی‌شان و در صورت لزوم مداوای پزشکی و بیمارستانی آن‌ها و در کل حفاظت از حیات آن‌ها می‌باشد (۳۰).

یکی از پیامدهایی که درگیری‌های مسلحانه می‌تواند بر سلامت و حیات کودکان تأثیر گذارد، به کارگیری کودکان در جنگ به عنوان نیروی رزمنده، سرباز، کارگر و... است که به کشته، زخمی و حتی بازداشت‌شدن ایشان منتهی شود و در دادگاه‌های نظامی محاکمه و در برخی مواقع به اعدام محکوم شوند و یا این‌که برای دریافت اطلاعات مورد شکنجه قرار گیرند و بدون امکان برخورداری از هرگونه حمایت حقوقی ناعادلانه محاکمه می‌شوند (۳۴).

از این رو برای تأمین و حمایت از سلامت و حیات کودک در ماده ۵۱ کنوانسیون در رابطه با ممنوعیت خدمت و کار اجباری افراد زیر ۱۸ سال توسط دولت اشغال‌کننده آمده است: «دولت اشغال‌کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور به خدمت در نیروهای مسلح یا نیروهای کمکی خود کند. هر فشار یا تبلیغی به منظور استخدام داوطلب ممنوع است. دولت اشغال‌کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور به کار کند، مگر آنکه سن آن‌ها متجاوز از ۱۸ سال باشد، آن هم فقط در کارهایی که برای احتیاجات نیروی اشغال‌کننده یا برای خدمات مربوط به منافع عامه، تغذیه و مسکن و پوشاک و حمل و نقل یا سلامت نفوس کشور اشغال‌شده لازم باشد. اشخاص مورد حمایت را نمی‌توان به هیچ کاری که مستلزم شرکت در عملیات جنگی باشد، وادار ساخت.»

در این ماده معافیت از کار اجباری نسبت به همه اشخاص زیر ۱۸ سال به طور مطلق و بلاشرط مطرح شده است و به انواع کاری که توسط کنوانسیون ژنو مجاز شده، اعمال می‌شود. در نتیجه از کودکان و خردسالان حمایت می‌کند. باز هم در ماده ۶۸ در راستای حفاظت از حیات کودک توسط دولت اشغال‌کننده، صدور حکم اعدام برای افراد کم‌تر از ۱۸ سال با این بیان منع می‌گردد که: «در هیچ صورتی نمی‌توان درباره شخص مورد حمایتی که سن او در موقع ارتکاب جرم کم‌تر از ۱۸ سال است، حکم اعدام صادر کرد.»

۲-۱- پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ آگوست ۱۹۴۹: پروتکل در ۸

ژوئن سال ۱۹۷۷ تصویب شد و در ۷ دسامبر ۱۹۷۹ لازم‌الاجرا گردید و طبق ماده ۱ آن در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، قابل اجراست. پروتکل نیز در ماده ۶۹ بر تعهد دولت اشغالگر به تأمین لوازم ضروری برای ادامه حیات سکنه غیر نظامی تأکید می‌کند و در ماده ۷۰ در رابطه با اقدامات امدادسانی در توزیع محموله‌های امدادی، اشخاصی مانند خردسالان، مادران باردار، زنان در حال زایمان و مادران شیرده که به موجب کنوانسیون چهارم و یا این پروتکل از رفتار ترجیحی و حمایت خاص برخوردار هستند، را در اولویت قرار می‌دهد (۳۵). از آن رو که هدف از کمک‌های انسان‌دوستانه حفظ کردن حق زندگی آدمیان از خطر گرسنگی و مرگ است، این ماده حمایت ویژه‌ای از حیات کودکان می‌نماید. گذشته از این مواد که حمایت‌هایی را به نفع غیر نظامیان از جمله کودکان مقرر می‌نماید، پروتکل در موادی به طور خاص به وضعیت کودکان توجه می‌نماید. ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی طی چندین بند حمایت از کودکان را مطرح می‌کند و در بند یک اشعار می‌دارد: «کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هرگونه از حمله غیر محترمانه حمایت شوند. طرفین مخاصمه باید مراقبت و کمکی را که کودکان، خواه به دلیل سن و یا به هر دلیل دیگری، به آن نیاز دارند، برای آن‌ها فراهم نمایند.»

بند دوم همین ماده به شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه اختصاص دارد. این بند اظهار می‌دارد: «طرف‌های مخاصمه همه‌گونه اقدامات ممکن را به عمل خواهند

آورد تا کودکانی که به سن پانزده سالگی نرسیده‌اند، به طور مستقیم در مخاصمات شرکت ننمایند و به ویژه از فراخواندن آن‌ها به نیروهای مسلح خود اجتناب خواهند کرد.» از آنجا که مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه یک رویه غیر انسانی است که هم موجب به خطراتادن سلامت و حیات کودکان می‌شود، ماده ۷۷ پروتکل الحاقی اول برای اولین بار استفاده و نام‌نویسی از کودکان (زیر ۱۵ سال) را در مخاصمات ممنوع اعلام کرد.

بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۷۷ پروتکل نیز به حمایت از کودکان اسیر، جلوگیری و عدم اجرای مجازات اعدام برای مرتکبان جرم دارای کم‌تر از ۱۸ سال سن تأکید دارد.

بند سوم ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی مقرر می‌دارد: «چنانچه در موارد استثنایی، بر خلاف مقررات بند ۲، کودکانی که به پانزده سالگی نرسیده‌اند، به طور مستقیم در مخاصمات شرکت کنند و به دست طرف مخالف گرفتار شوند، خواه اسیر جنگی باشند یا خیر، همچنان از حمایت خاص موضوع این ماده برخوردار خواهند بود.»

اگر کودکان زیر ۱۵ سال برخلاف قاعده در مخاصمات شرکت نمایند، از حقوق و حمایت‌های خاص و ترجیحی کودکان به موجب کنوانسیون‌های ژنو بهره‌مند می‌گردند. چنانچه در خلال مخاصمات دستگیر یا اسیر گردند، از حمایت‌های مقرر برای اسرا و بازداشت‌شدگان در کنوانسیون سوم ژنو بهره‌مند می‌شوند. کودکان مورد حمایت ماده ۷۷ تنها در صورتی اسیر جنگی خواهند بود که قبلاً وضعیت اولیه رزمنده را از طریق استخدام (هرچند غیر قانونی) در نیروهای مسلح یکی از طرف‌های مخاصمات به دست آورده باشند. در کل خواه کودک اسیر جنگی و مشمول کنوانسیون سوم ژنو باشد یا در زمره اشخاص حمایت‌شده به موجب کنوانسیون چهارم ژنو باشد، در هر صورت مقررات ماده ۷۷ پروتکل نسبت به او اعمال می‌شود. بند چهارم ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی بیان می‌دارد: «هرگاه کودکان به دلایل مربوط به مخاصمه مسلحانه، دستگیر یا بازداشت شده یا تحت نظر قرار گیرند، باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند، جز در هنگامی که خانواده‌هایی به موجب بند ۵ ماده ۷۵ به عنوان واحد خانوادگی اسکان داده شده‌اند.»

بند پنجم ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی می‌گوید: «در مورد اشخاصی که در هنگام ارتکاب جرم مرتبط با مخاصمه مسلحانه کم‌تر از ۱۸ سال داشته‌اند، مجازات اعدام اجرا نخواهد شد.»

در این بند بر ممنوعیت صدور حکم اعدام کودکان زیر ۱۸ سال بار دیگر تأکید می‌کند. در واقع حفظ حق حیات کودکان که به بلوغ فکری نرسیده‌اند و مفهوم اعمال‌شان را درک نمی‌کنند، اقتضا می‌نماید که نه تنها صدور حکم اعدام برای آنان ممنوع اعلام گردد، بلکه برای زنان باردار و مادران کودکان زیر هفت سال نیز در ماده ۷۶ مقرر شده تا جایی که ممکن است از صدور حکم اعدام در جرائم مربوط به مخاصمات مسلحانه خودداری شود.

۲- حقوق بشر بین‌المللی

حقوق بشر بین‌الملل مجموعه مقررات بین‌المللی است که دارای هدف حمایت از حیات و کرامت بشری افراد از رفتار خودسرانه توسط دولت‌ها می‌باشد و نسبت به همه در همه زمان‌ها و در تمام شرایط، حتی در خلال مخاصمات مسلحانه هم اعمال می‌گردد. برخی از مواد اسناد حقوق بشر بین‌المللی به طور ویژه مقرراتی را در باب حمایت از کودکان در شرایط مخاصمات مسلحانه ذکر می‌کنند که متضمن حفظ و صیانت از حق حیات کودکان می‌باشد.

لذا در این مبحث مروری بر اهم این اسناد خواهیم داشت.

۲-۱- اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹ م.): در راستای حمایت از حقوق کودکان در سال ۱۹۵۹ اعلامیه حقوق کودک توسط مجمع عمومی به تصویب رسید. اعلامیه اصولی دارد که می‌توان از آن‌ها حمایت از حیات کودک در مخاصمات مسلحانه را برداشت نمود (۳۶).

اصل ۸ اعلامیه بیان می‌دارد: «کودک باید در هر شرایطی جزء اولین کسانی باشد که از حمایت و تسهیلات بهره‌مند گردد.» طبیعی است که این اصل در زمان مخاصمات مسلحانه نیز باید جاری باشد.

اصل ۹ مقرر می‌دارد که: «کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت و یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.»

از آنجا که استخدام و مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه یکی از مهم‌ترین موانع رشد سالم کودکان و ناقض حق حیات آنان است و پیامدهای جدی جسمی و روحی را در رفاه کودکان می‌گذارد، می‌توان گفت که مشمول ممنوعیت ذکرشده در این اصل قرار می‌گیرد.

۲-۲- اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و مخاصمات مسلحانه (۱۹۷۴ م.): با توجه به این‌که بیشترین صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه، متوجه زنان و کودکان است، در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل، با در نظرگرفتن وضعیت نابسامان زنان و کودکان در مناطق جنگی و همچنین شرایط نامساعد کودکان قربانی «اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت‌های اضطراری» را با تصویب قطع‌نامه‌ای تدوین نمود و در اصولی چند بر حمایت از حقوق کودکان در شرایط اضطراری تأکید کرد (۳۷)، از جمله ممنوعیت حملات و بمباران علیه زنان و کودکان و تأکید بر توقف حملات، منع به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و میکروبی طی مخاصمات مسلحانه علیه زنان و کودکان، تأکید بر منع اعمالی از قبیل تعقیب، شکنجه، مجازات و دیگر اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان، رعایت کلیه اصولی که متضمن حمایت از حقوق زنان و کودکان می‌باشد، در خلال مخاصمات مسلحانه، شناسایی حق زنان و کودکان جهت داشتن سرپناه، دارو و سایر کمک‌های انسان‌دوستانه. اگرچه این اعلامیه از نظر حقوقی برای طرفین مخاصمه الزام‌آور نیست، اما موفق شده که توجه بین‌المللی را به موقعیت زنان و کودکان به عنوان قربانیان اقدامات غیر انسانی و اهمیت افزایش حمایت از این گروه‌های آسیب‌پذیر در مخاصمات داخلی جلب نماید (۲۷، ۳۸).

۳-۲- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.): کنوانسیون حقوق کودک، مهم‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت همه‌جانبه از کودکان است که فهرست جامعی از حقوق را برای زمان جنگ و صلح ارائه می‌دهد. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ تصویب شد و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا گردید. کنوانسیون حقوق کودک اولین سند حقوق بشری است که صراحتاً موضوع استفاده و مشارکت کودکان در مخاصمات را مطرح کرده است (۳۰). طبق ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک برخی از وظایفی که کشورهای طرف کنوانسیون باید متقبل شوند، این است که: «به مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در زمان مخاصمات مسلحانه که مربوط به کودکان می‌شوند، احترام بگذارند، هرگونه اقدام عملی را جهت تضمین این‌که افراد زیر ۱۵ سال در مخاصمات مستقیماً شرکت نکنند، معمول بدانند، از استخدام افراد کم‌تر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری کنند. این کشورها برای استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به بزرگ‌ترها بدهند و مطابق با تعهدات خود نسبت به حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جهت حمایت از افراد غیر نظامی به هنگام مخاصمات مسلحانه، تمام اقدامات را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که تحت تأثیر (عواقب) جنگ قرار گرفته‌اند، مبذول دارند.»

۴-۲- اعلامیه جهانی بقا، رشد و حمایت از کودکان (۱۹۹۰ م.): رهبران کشورهای جهان با تصویب این اعلامیه در ۲۵ ماده مسؤولیت خود را در مورد تضمین حقوق کودک در زمینه‌های متعدد مورد شناسایی قرار دادند و تصمیم گرفتند که اقداماتی را برای تضمین امنیت کودکان در شرایط خشونت مسلحانه اتخاذ نمایند. ماده ۸ این اعلامیه بر ضرورت حمایت و حفاظت از کودکان در شرایط جنگ و درگیری‌های مسلحانه و اتخاذ اقدامات مؤثر برای ممانعت از درگیری و خشونت، ایجاد امنیت و صلح و اتخاذ تدابیری ویژه جهت کمک به کودکان متأثر از مخاصمات در شرایط تداوم مخاصمات مسلحانه تصریح می‌نماید (۳۹). در واقع رهبران وعده دادند که برای حمایت

کودکان از بلایای جنگ، جلوگیری بیشتر از مخاصمات مسلحانه جهت ایجاد آینده‌ای مطمئن و صلح‌آمیز برای کودکان به عمل خواهند آورد.

۳- حق حیات کودکان یمن

در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ که درگیری‌ها در یمن به یک جنگ بی‌رحمانه تبدیل شد و بسیاری از شهرهای یمن به شدت آسیب دیده یا ویران شدند، یمن در یک بحران حاد بشردوستانه قرار گرفت. در پی این خشونت و درگیری‌ها کودکان یمنی که آسیب‌پذیرترین قشر در برابر اثرات کشنده جنگ هستند، هر روز با ترس، درد، محرومیت و مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

طبق گزارش سازمان‌های بین‌المللی از ماه مارس سال ۲۰۱۵ به طور متوسط روزانه حداقل شش کودک در یمن در اثر درگیری‌ها و عواقب ناشی از آن کشته یا دچار معلولیت و نقص عضو شده است. این کودکان نماینده یک‌سوم از مرگ و میر غیر نظامیان از مارس ۲۰۱۵ هستند. این رقم رشد هفت برابری در مقایسه با کل سال ۲۰۱۴ داشته است. بیشتر کشتارها و معلولیت کودکان در استان‌های تعز، صنعا، صعده، عدن و حجه رخ داده است (۴۰). بر اساس آخرین گزارشات در سال ۲۰۱۹ در پی حملات هوایی و زمینی ۱۶۸۹ کودک کشته یا دچار نقص عضو شدند. بیشتر تلفات کودکان ناشی از حملات زمینی (۷۵۵)، پس از آن در اثر حملات هوایی (۶۸۵) و سپس ناشی از مهمات منفجرنشده (۲۲۳) بوده است. از کل تلفات کودکان، ۳۰٪ در حین حملات در شهر حدیده (۵۰۷) رخ داده است که ۲۶۷ مورد ناشی از درگیری زمینی و ۱۸۱ مورد حملات هوایی بوده است. دومین تعداد تلفات کودکان در استان صعده (۳۵۴) و پس از آن دولت تعز (۳۴۱) بوده است (۲۹).

استخدام و سربازگیری کودکان در سال ۲۰۱۶ به صورت تصاعدی افزایش یافته است. سازمان ملل متحد ۸۴۲ مورد از استخدام کودکان را که بیشتر آن‌ها در صنعا، شبوه، اب و عدن ثبت شده بود، گزارش کرد. ۳۷٪ این کودکان به طور مستقیم در جنگ شرکت داشتند و حداقل ۵۰٪ آنان زیر ۱۵ سال سن داشته‌اند، حتی برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که گروه‌های درگیر، کودکان تا ۱۰ سال را در جنگ جذب

و استخدام کرده‌اند (۴۰). در سال ۲۰۱۷ نیز ۳۷۰ مورد استخدام و استفاده از کودکان در جنگ توسط سازمان ملل تأیید شده است. گروه‌های درگیر از این کودکان به عنوان سرباز، نگهبان، مخبر و همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند. افزون بر آن، این سازمان در سال ۲۰۱۹ بازداشت و اسارت ۹۶ کودک توسط گروه‌های درگیر به دلیل ارتباطشان با احزاب مخالف را تأیید گردیده که این آمار افزایشی قابل توجه را در مقایسه با سال ۲۰۱۷ داشته است. برای اولین بار استخدام ۱۶ دختر بین ۱۵ تا ۱۷ سال به وسیله سازمان ملل متحد گزارش شد. برخی از این دختران برای تشویق اعضای ذکور خانواده برای پیوستن به نیروهای درگیر و بسیج زنان و دختران دیگر برای انجام همین کار و برخی دیگر جهت آموزش نظامی برای شرکت در جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند (۴۱).

حقوق مرتبط با حق حیات کودک در اسلام و اسناد بین‌المللی

در این بخش از منظر دین اسلام و اسناد بین‌المللی به حقوقی اشاره می‌شود که پیوند نزدیکی با حق حیات دارند و بدون تأمین آن‌ها بهره‌مندی کامل از حق حیات ممکن نیست. این حقوق شامل حق رهایی از گرسنگی و تأمین حداقل‌های معیشتی حمایتی و حق بهداشت می‌گردد.

۱- حق بر رهایی از گرسنگی در اسلام و اسناد بین‌المللی با نگاهی به وضعیت کودکان یمن

آنچه با حیات انسان مرتبط است، حق بر رهایی از گرسنگی است که بر نجات از مرگ ناشی از گرسنگی یا تأمین نیازهای اساسی ضروری برای ادامه حیات دلالت دارد. گرسنگی و سوءتغذیه هر دو از عواقب ناشی از فقدان دسترسی به غذای کافی هستند، لذا یکی از اقدامات مهم برای حفظ حیات کودکان، بهره‌مندی آنان از حداقل سطوح معیشتی است، به ویژه آنکه کودکان برای رشد جسمی و روحی خود نیاز مبرمی به

مواد غذایی کافی و مناسب دارند و در برابر فقدان مواد غذایی اساسی بسیار آسیب‌پذیر هستند.

سوء تغذیه در دوران بارداری نیز نه تنها منجر به مرگ و میر کودکان می‌گردد، بلکه دارای عواقب طولانی‌مدت از قبیل اختلال جسمی و روانی، بیماری‌های مزمن، ضعف سیستم ایمنی و بهداشت باروری می‌باشد، در حالی که تصور می‌شود مرگ و میرها در زمان قحطی و مخاصمات مسلحانه رخ می‌دهد، واقعیت آن است که تنها ۱۰٪ از این مرگ و میرها ناشی از مخاصمات مسلحانه، فجایع طبیعی یا شرایط آب و هوایی استثنایی است و ۹۰٪ در اثر فقدان شدید و طولانی مدت دسترسی به غذای کافی هستند، لذا آنچه در ابتدا مهم به نظر می‌رسد آن است که بررسی شود که دین مبین اسلام چه توصیه‌ها و دستوراتی را برای تغذیه کودک در راستای حمایت از حق حیات وی بیان نموده و این‌که اسناد بین‌المللی چه تعهداتی را برای دولت‌ها، در رابطه با تأمین حداقل‌های معیشتی مقرر کرده‌اند.

از دیدگاه اسلام، شروع دوران کودکی، از دوران بارداری است و حق حیات برای جنین از زمان انعقاد نطفه به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین برخی حقوق مرتبط با حق حیات مانند حق تغذیه به دوران جنینی نیز تسری می‌یابد. در این راستا دین اسلام نه تنها مقرراتی را در قالب حقوقی چون حق رضاع و حق نفقه برای تأمین تغذیه کودک تولدیافته تعیین نموده، بلکه در جهت حمایت از کودک متولد نشده درباره تغذیه مادر در دوران بارداری نیز توصیه‌هایی نموده و حق نفقه را پیش‌بینی کرده است.

از اسناد حمایتی مصوب کشورهای اسلامی تنها در میثاق حقوق کودک در اسلام به حق تغذیه کودک پرداخته شده است. در ماده ۱۵ ذیل بحث بهداشت کودک به صورت بسیار اجمالی در بند ۱ به «فراهم کردن مراقبت برای مادر از زمان شروع بارداری و دوران شیردهی توسط مادر و یا فرد دیگری در صورتی که مادر ناتوان از شیر دادن به طفل باشد» و در بند ۷ به «تأمین مراقبت پزشکی پیشگیرانه، کنترل بیماری و سوء تغذیه و نیز فراهم نمودن مراقبت بهداشتی لازم برای کودک و مادر وی» اشاره شده است.

در عرصه بین‌المللی حق بر رهایی از گرسنگی و تأمین حداقل‌های معیشتی در اسناد متعددی مورد شناسایی واقع شده است.

اعلامیه حقوق کودک در اصل ۴ حق بر غذای کودک را به رسمیت می‌شناسد و بیان می‌دارد: «کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد.»

زنان، نیازهای غذایی ویژه‌ای در رابطه با بهداشت باروری خود دارند. تخلف از حق برخورداری از غذای مناسب برای زنان در سنین بارداری، از جمله دختران جوان می‌تواند منجر به عوارض تهدیدکننده حیات در دوران بارداری یا زایمان شود.

سوءتغذیه زنان باردار و شیرده می‌تواند منجر به سوءتغذیه و همچنین اختلال جسمی و روانی فرزندان وی شود. در این راستا کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ماده ۱۲ بند ۲ مقرر داشته است: «دولت‌های عضو صرف نظر از مفاد بند ۱ این ماده، ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری‌شدن برای زایمان و دوران پس از زایمان را تضمین خواهند کرد و در موارد لازم خدمات رایگان و نیز تغذیه کافی را در دوران بارداری و دوران شیردهی در اختیار آنان قرار خواهد داد.» بر این اساس دولت‌ها متعهد به تأمین تغذیه کافی زنان در دوران بارداری و شیردهی هستند تا از اثرات سوءتغذیه بر مادران و کودکان جلوگیری گردد.

کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۲۴ در بند «ج» مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو روش‌های مناسب را برای مبارزه با بیماری‌ها و سوءتغذیه، از طریق فراهم‌نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظرگرفتن خدمات آلودگی محیط زیست اتخاذ نمایند.»

این در حالی است طبق گزارشات یونیسف در سال ۲۰۱۹ سوءتغذیه یکی از عوامل اصلی مرگ و میر کودکان در یمن به شمار می‌رود، به طوری که سی هزار کودک در یمن هر ساله در اثر سوءتغذیه جان خود را از دست می‌دهند. چهارصد هزار کودک در هر روز به شکلی تهدیدآمیز از سوءتغذیه شدید رنج می‌برد که ۴۰٪ از این چهارصد هزار کودک در حدیده و مناطق مجاور که جنگ در آن شعله‌ور است، زندگی می‌کنند.

نیمی از کودکان زیر ۵ سال دچار سوءتغذیه مزمن هستند که این کودکان در صورت زنده ماندن هرگز به توانایی و پتانسیل کامل جسمی و فکری خود نخواهند رسید. همچنین بسیاری از زنان باردار، قادر به دریافت غذای مورد نیاز در دوران بارداری نیستند و دچار سوءتغذیه و کم‌خونی شدید می‌شوند و این امر افزون بر این که تأثیر بسیار مهمی بر رشد و حیات جنین دارد، به طور خطرناکی منجر به زایمان زودرس می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد که از هر ۳۷ نوزاد تازه متولدشده در یمن در ماه یک نوزاد به دلیل زایمان زودرس یا سوءتغذیه مادر در دوران بارداری جان خود را از دست می‌دهد. حدود یک میلیون و یکصد هزار زن باردار یا شیرده دچار کم‌خونی هستند که فرزندان‌شان وزن کم‌تری دارند (۴۲).

۲- حق بر بهداشت در اسلام و اسناد بین‌المللی با نگاهی به وضعیت کودکان یمن

میان حق بر بهداشت و حق حیات ارتباط وثیقی وجود دارد و حتی می‌توان گفت حمایت‌هایی که حق بر بهداشت ارائه می‌دهد، شبیه آن در عمق حمایت از حق حیات یافت می‌شود. پیوستگی سلامتی با امکان تداوم یا سلب حیات چنان است که در اغلب موارد، نمی‌توان آن دو را از همدیگر کاملاً جدا کرد. بر این اساس، یکی از ملزومات حق حیات آن است که دولت‌ها با فراهم‌ساختن امکان و شرایط بهداشتی و سالم جسمی و روحی انسان‌ها، از سلب حیات آنان توسط بیماری‌ها جلوگیری کنند. تمام این‌ها اهمیت حق بر بهداشت برای حیات کودکان که در معرض خطر بیشتری هستند و از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند را بیشتر آشکار می‌سازد. به عبارتی می‌توان از اساسی‌ترین نیازهای کودک برای بقا و حیات راه، برخوردار شدن او از سلامت جسمانی دانست. این در حالی است که شاهد آن هستیم که همه‌روزه به طور متوسط بیش از ۲۶۰۰۰ کودک زیر پنج سال جان خود را از دست می‌دهند که علت بیشتر این موارد مرگ و میر، قابل پیشگیری است (۳۰).

از آنجا که کودک به دلیل ناتوانی و کم‌سن بودن، قادر به مراقبت‌های بهداشتی از خود نیست، دین اسلام مسؤولیت مراقبت و حفظ سلامتی او را بر عهده والدین قرار

داده است و پدر را ملزم به پرداخت هزینه‌های بهداشتی و تغذیه کودک و مادر را مسؤول پرستاری و تأمین امنیت کودک کرده است.

همچنین به دلیل اهمیت حق بر بهداشت برای کودک، این حق در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، به عنوان مثال تدوین‌کنندگان میثاق حقوق کودک در اسلام، توجه ویژه‌ای به این حق بنیادین و اساسی کودک کرده و به تفصیل در میثاق راجع به حق بهداشت کودک سخن گفته‌اند. مهم‌ترین ماده راجع به حق بر بهداشت کودک در میثاق، ماده ۱۵ با عنوان «بهداشت کودک» است. این ماده مقرر می‌دارد: «کودک سزاوار برخورداری از مراقبت جسمی و روحی است.»

کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۲۴، بند ۱ آورده است: «کشورهای عضو کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توان‌بخشی کودکان به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین این‌که هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهد شد، تلاش خواهند کرد.»

بند ۲ همین ماده نیز اشعار می‌دارد: «کشورهای عضو کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند نمود و خصوصاً در زمینه‌های ذیل روش مناسب را اتخاذ خواهند کرد: ۱- کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان؛ ۲- تضمین فراهم نمودن مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی اولیه؛ ۳- مبارزه با بیماری‌ها و سوءتغذیه، از جمله در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به کار بستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم‌نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست؛ ۴- تضمین مراقبت‌های قبل و پس از زایمان مادران؛ ۵- تضمین این‌که تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه شیر مادر، بهداشت و بهداشت محیط زیست و پیشگیری از وقایع، اطلاع و به آموزش دسترسی داشته و در زمینه استفاده از اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند؛ ۶- توسعه مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه، ارائه راهنمایی‌های لازم به والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات.»

همچنین ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند.»

در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق بر بهداشت مورد شناسایی واقع شده و در ماده ۱۲ آن ضمن بیان لزوم کاهش مرگ و میر کودکان، بر حق بر بهداشت آن‌ها نیز اشاره نموده است.

طبق گزارش یونیسف در سال ۲۰۱۶، تشدید درگیری‌ها در یمن حدود ۱۴ میلیون و یکصد هزار نفر، از جمله ۷ میلیون و چهارصد هزار کودک نیاز به مراقبت‌های بهداشتی را به همراه داشته است. این در حالی است که سیستم بهداشت و درمان در آستانه فروپاشی می‌باشد. نزدیک به ۶۰۰ مرکز بهداشتی به دلیل خسارت و کمبود در تأمین برق، سوخت، پرسنل و کمبود منابع مالی کار خود را متوقف کرده‌اند. بیش از ۱۰۰ مرکز بهداشتی و درمانی یا به طور جزئی آسیب دیده یا کاملاً در اثر درگیری نابود شده‌اند.

در همین سال یونیسف اعلام کرد که سالانه نزدیک به ده هزار کودک زیر پنج سال در اثر بیماری‌های قابل پیشگیری ناشی از کاهش خدمات کلیدی بهداشتی، مانند واکسیناسیون و ایمن‌سازی در برابر بیماری‌های قابل پیشگیری و قابل درمان مانند اسهال، ذات‌الریه و وبا جان خود را از دست داده‌اند (۴۰). سطوح واکسیناسیون از آغاز جنگ به شدت کاهش یافته است. بنابراین شاهد شیوع سرخک و دیفتری با تأثیر مرگبار بر کودکان هستیم. بیماری‌هایی مانند اسهال شدید و وبا در اوائل سال ۲۰۱۹ به اوج خود رسید (۴۲).

وضعیت نامساعد سیستم دفع فاضلاب، استفاده از آب آلوده برای کشاورزی، برق غیر قابل اطمینان برای نگهداری مواد غذایی و... از جمله عواملی هستند که سلامتی و حیات کودکان را به شدت به خطر می‌اندازد. علاوه بر این در حال حاضر کشور یمن بیش از پیش با بحران آب به ویژه آشامیدنی سالم رو به روست و این امر منجر به استفاده از آب آشامیدنی ناسالم و غیر قابل اطمینان مانند آب چاه‌های سنتی کشاورزی

و آب‌های کنترل و محافظت نشده می‌شود، در نتیجه این امر کودکان را در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های ناشی از آب آلوده مانند اسهال قرار می‌دهد (۴۰).

نتیجه‌گیری

کشتار کودکان در جنگ شایع‌ترین اقدام ناقض حقوق کودکان از جمله حق حیات آنان است. درگیری مسلحانه‌ای که استکبار جهانی به سرکردگی عربستان سعودی در یمن به راه انداخته‌اند، باعث از بین رفتن امنیت جانی و روانی بسیاری از کودکان یمنی گشته و با محروم کردن کودکان در زمینه‌های غذا، دارو، بهداشت، آب و... که جزء حقوق اولیه انسان است و همچنین به کارگیری کودکان یمنی در جنگ توسط طرف‌های درگیر، حق حیات کودکان که اصلی‌ترین حق و به عبارتی برترین حق است را با خطر جدی مواجه کرده است.

اگرچه برای تأمین سلامت و حق حیات کودکان یمن و پیشگیری از به خطر افتادن جان آنان در آینده، صندوق اضطراری بین‌المللی کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) اقدامات مؤثری را در این کشور انجام داده است، اما این اقدامات با این حجم از تلفات و خسارات، متناسب و کافی نیست. بنابراین در کنار این کمک‌های بشردوستانه، دولت‌های درگیر باید متعهد شوند که با کودکان با انسانیت و بر مبنای پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به ویژه کنوانسیون حقوق کودک برخورد نمایند و نسبت به آنان از هر گونه خشونت و اقدام تهدیدکننده حیات جلوگیری کنند. به استخدام استفاده از کودکان در جنگ پایان دهند و کودکانی که در اسارت به سر می‌برند را آزاد کنند و در صورت نقض قوانین، از سوی دادگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی به اتهام جرائم جنگی، تعقیب، محاکمه و مجازات شوند. کشورهای اسلامی، نهادهای بین‌المللی و سایر جوامع حتی‌المقدور در ایجاد سرپناه و محیط امن و فراهم آوردن تغذیه، پوشاک، خدمات بهداشتی و درمانی و... برای حفظ حیات کودکان تلاش نمایند.

References

1. Johari E. Al-Sehhah. Beirut: Darul Elm-e Lelmalayin; 1979.
2. Anis E, Montasar A, Al-Savalehi A, Ahmad M. Al-Mu'jam al-Wasit. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Eslami; 1993.
3. Gharashi AA. Qamus al-Quran. Tehran: Darul Kotob al-Eslamieh; 1991.
4. Holy Quran. Baqara: 28, 190; Israa: 33; Maaida: 32.
5. The Cairo Declaration on Human Rights in Islam. Articl.1.
6. Universal Declaration of Human Rights. Articl.3, 25.
7. International covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Articl.1, 12.
8. European Convention on Human Rights. Articl.2, 15.
9. American Convention on Human Rights. Articl.4.
10. Ebne Manzoor. Lesan al Arab. Beirut: Dar al-Fikr, 1993.
11. Vasety MM. Tajularoos men Javaherulqamoos. Beirut: Dar al-Fikr; 1993.
12. Sheikh Saduq M. Man Lā Yahḍuruhū al-Faqīh. Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami; 1992.
13. Emami H. Civil rights. Tehran: Eslamieh; No Date.
14. Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1998.
15. Covention on the Rights of Child. Article.1, 8, 9, 24.
16. Montazeri HA. Derasat fi Velayat al-Faqih and Fiqh al-Dowlat al-Eslamiyya. Qom: Tafakor; 1988.
17. Ahmadi A. Alasir fi al-Eslam. Qom: Eslami; 1990.
18. Bidar A. Hemayat Hoghoogh al-Ensan esnaa al-Nezaaj al-Mosallamat al-Dowaliyah baynan al-Shariat va al-Ghanon. Beirut: Manshorat al-Halabi al-Hoghooghiyeh; 2009.
19. Kulayni M. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1987.

20. Tusi M. Tahdhib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1987.
21. Allamah Helli H. Montaha al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab. Mashhad: Majma' al-Buhuts al-Islamiyah; 1991.
22. Ibn Qudamah AA. Al-Kafi fi Fiqh al-Imam Ahmed Ibn Hanbal. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 1994.
23. Tusi M. Al-Mabsout fi Fiqh al-Imamiyah. Tehran: Al-Maktabeh al-Mortazavieh; 2008.
24. Allamah Helli H. Tahrir al-Ahkam. Qom: Institute of Imam Sadeq; 1999.
25. Fakhr al-Mohagheghin. Eizah al-Favayed fi Sharh Moshkelat al-Ghavaed. Qom: Esmaeilian Institute; 1967.
26. Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1993.
27. Kasani A. Badai al-Sanai fi Tarteeb al-Sharaii. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 2003.
28. Ibn Jazari M. Ghavnina al-Fiqhiyeh. Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi; 1989.
29. Covenant on the Rights of Child in Islam OIC. Introduction, Article 17, 15.
30. Niknami N. Right to Life of the Child in Viewpoint of Islam and International Instruments. Thesis for Degree of Master of Science (MSC). Qom: The University of Qom; 2013. p.237.
31. Rabat Declaration on Child's Issues in the Member States of the Organization of the Islamic Conference. Article.13, 14.
32. Doek J. The International Legal Framework for the protection of children in armed conflict. Disarmament Forum Children and Conflict. Geneva: United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR); 2011. p.7-12.
33. Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in time war. (Forth GC). Article.23, 24, 51, 68.

34. Mosaffa N, Davar Z. The Covenant on the Rights of the Child in Islam from the Perspective of International Humanitarian Law. Tehran: Shahr-e Danesh; 2012.
35. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I). Article.69, 76, 77.
36. Declaration of the Rights of the Child. Article.4, 8, 9.
37. The Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict.
38. Mosaffa N. Convention on the Rights of the Child and its Use in Iranian Internal Law. Tehran: University of Tehran; 2004.
39. The World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children. 1990. Article.8.
40. The Impact of Violence and Conflict on Yemen and its Children (yemen crisis). Unicef; 2016. Available at: https://www.unicef.org/spanish/media/files/Yemen-Fragile_to_Failed.pdf.
41. The Report of the Secretary-General on children and armed conflict (A/73/907–S/2019/509). Issued on June 20, 2019.
42. Available at: <https://www.unicef.org/mena/press-releases/two-years-world-largest-outbreak-acute-watery-diarrhea-and-cholera-yemen-witnessing>/<https://www.unicef.org/mena/stories/conflict-yemen-living-hell-children>/<https://www.unicef.org/emergencies/yemen-crisis>/<https://www.unicef.org/stories/amid-catastrophe-yemen-prayer-answered>.